



معنا و مفهوم علم در فرهنگ اسلامی / آیا علم به خوب و بد تقسیم می شود

بهترین علم ها، علمی است که به شناخت انسان و اصلاح او بیانجامد و راه سعادت را نشان دهد و بدترین دانش ها دانشی است که انسان را اصلاح نکند و در دنیا متوقف سازد.

بهترین علم ها، علمی است که به شناخت انسان و اصلاح او بیانجامد و راه سعادت را نشان دهد و بدترین دانش ها دانشی است که انسان را اصلاح نکند و در دنیا متوقف سازد.

به گزارش خبرگزاری مهر، اسلام با ظهور خود بار معنایی جدیدی را برای بسیاری از واژه های رایج در زندگی مردم ایجاد کرد. یکی از اصلی ترین و کلیدی ترین این موارد در خصوص بار معنایی واژه "علم" بوده است. در جاهلیت تنها علمی که اهمیتی داشت، "علم انساب" و "آگاهی از اشعار جاهلی" بوده که هر دوی اینها در فضای تفکر اسلامی بی ارزش قلمداد شد و در عوض، علم توحید در مرکز همه ارزش ها قرار گرفت و منشا فلاح و رستگاری و عامل عمده تحولات زندگی انسانها شمرده شد و علم و عالم در فرهنگ اسلامی نقشی بنیادی و اساسی پیدا کرد.

از دید اسلام، علم دارای مراتب و درجاتی معرفتی است که قله آن علم الهی است که نظام تکوین، محصول آن علم است. علم الهی نسبت به موجودات، علمی حضوری و شهودی است و علم شهودی همان دانایی است که با توانایی قرین است. انسانی که با کسب مقام خلیفه الهی تا اندازه ای از علم لدنی و الهی بهره مند شود و به کتاب مکنون و لوح محفوظ آفرینش راه برد و کلمه ای از آن دانش بیکران را فرا گیرد به اقتداری دست می یابد که می تواند تخت بلقیس را قبل از آنکه تصویرچیزی در چشم آدمی نقش ببندد، یعنی در کوتاه ترین زمان ممکن، از صبا به فلسطین آورد، زیرا به تعبیر قرآن کسی این کار را کرد که در نزد او علمی از کتاب بود.

مرتبه پایین تر از دانش شهودی، معرفت حصولی عقلی است که حاصل شهود حقایق کلی و سرمدی، البته به نحو مبهم و از دور است. کسی که از علم عقلی بهره می برد، گرچه واجد حقایق الهی نیست و از تقرب و همنشینی با ملکوتیان محروم است، لکن به و صف آنها مشغول می باشد و حکمت حقیقی را که حاصل تزکیه و تعلیم کتاب الهی است واجد نیست.

نازل ترین مرتبه معرفت، دانش مفهومی حسی است که این دانش در پرتوی مفاهیم کلی عقلی می تواند به کشف سایه نظام ربانی که در عالم ظاهر شده است بپردازد و اگر از آن مبادی عقلی نیز محروم بماند، بدون اینکه راهی به یقین داشته باشد، وسیله و ابزار قدرت و عمل انسان در عالم طبیعت می گردد و می تواند علم مذموم شود.

بدین ترتیب بهترین علم ها علمی است که به شناخت انسان و اصلاح او بیانجامد و راه سعادت را نشان دهد و بدترین دانش ها دانشی است که انسان را اصلاح نکند و در دنیا متوقف سازد و همین امر ضابطه مهمی برای قضاوت در باب علم خوب و بد قرار گرفت.

علم در راس فضیلت ها و بلکه ریشه همه خوبی ها و غایت همه فضیلت ها است و برای همین است که علم امری مقدس است و ارزش انسان به علم اوست. و نه تنها طبقه بندی و ارزش گذاری انسانها بر حسب مراتب علم و عقل شان انجام می شود، بلکه کسانی حقیقتاً انسانند که در مسیر علم حقیقی باشند.

در این نگرش، البته علمی ارزشمند است که در انسان تاثیر خود را بگذارد و اوج این تاثیرگذاری، خشیتی است که عالم نسبت به خداوند پیدا می کند و غیر عالم به این مقام نمی رسد. این خشیت تمام وجود وی را متحول می سازد و تمام فضایل را با خود برای عالم به ارمغان می آورد. هم حیات بخش وجود اوست و هم زینت او و چنین علمی همنشین ایمان است. به همین دلیل در تمدن

اسلامی، شکوفایی علم و ایمان و تنزل این دو همواره توأمان بوده است. دوره شکوفایی تمدن اسلامی، دوره شکوفایی علم بود و دوره انحطاط این تمدن دوره انحطاط علم.

در نتیجه، درنگرش دینی علمی حقیقتاً علم شمرده می شود که بتواند نگرش توحیدی را در اندیشه، خلق و خو و رفتار انسانی متجلی سازد و در غیر این صورت يك امر زیادی "فضل" است نه علم. در منطق دینی، علمی حقیقتاً علم است که نه تنها در دنیا بلکه تا ابد همراه آدمی باشد. برخی از دانشها تنها در دنیا به درد کسب و کار و آدمی می آید و حتی ممکن است انسان با آن دانش به دیگران خدمتی بکند و ثوابی هم کسب کند مثل پزشکی. این علم در حالت عام آن پس از مرگ آدمی به کار او نمی آید و تنها اعمال و ثواب های ناشی از کاربرد دنیوی آن برای آدمی مفید است و لذا علم بودن آن بعد از مرگ زایل می شود. البته اگر همین علم اگر به نحوی در اندیشه، خلق و خوی و رفتار آدمی تجلی کند و نگرش توحیدی را در وجود آدمی تثبیت کند، از آنجا که این نگرش همواره همراه آدمی است، این علم حتی در قیامت به کار انسان می آید.